

در آمیختگی اشعار فلکی شروانی با شعر دیگران

مجتبی عبدالهی *

چکیده

نجم‌الدین محمد فلکی شروانی از شاعران قرن ششم هجری و شاعر دربار منوچهر بن فریدون شروانشاه است. تذکره‌نویسان تعداد ابیات دیوان فلکی را از پنج هزار بیت تا چهارده هزار بیت نوشته‌اند؛ اما آنچه از اشعار او به جا مانده به دو هزار بیت نمی‌رسد. تحقیق و جستجو در دیوان فلکی و نسخه‌های خطی دیوان او، نشان از درآمیختگی شعر برخی از شاعران با اشعار فلکی شروانی دارد. در این پژوهش، پس از مطالعه و بررسی دقیق دیوان چاپی فلکی، نسخه‌های خطی آن و جستجو در دیوان شاعران قرن پنجم تا هفتم هجری و جنگ‌ها و نسخه‌های خطی اشعار آنان، به درآمیختگی شعر برخی از شاعران همچون عسجدی، مسعود سعد سلمان، قطران تبریزی، ادیب صابر ترمذی، مجد همگر و جلال‌الدین محمد مولوی با اشعار فلکی پی بردیم، که یا اشعار ایشان در دیوان چاپی فلکی و نسخه‌های خطی آن ضبط شده و یا شعر فلکی در دیوان آنها راه یافته است. در این پژوهش به بررسی این اشعار و تعیین سراینده‌ی حقیقی آنها با دلایل و شواهد پرداخته شده است تا در ارائه‌ی تصحیحی منقح و پیراسته از دیوان شاعران مذکور یاریگر مصححان و همچنین پژوهشگران اشعار ایشان باشد.

واژگان کلیدی: فلکی شروانی، دیوان اشعار، نسخه‌های خطی، درآمیختگی اشعار.

سال پنجم (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). شماره ۱۲. پژوهش‌های نثر و نظم فارسی (صص ۱۶۷ تا ۱۸۴)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۹

dr.m.abdollahi414@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۱۳

* دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه خوارزمی تهران.

مقدمه

در بررسی دیوان شاعران، یکی از موضوعاتی که توجه پژوهشگران را به خود جلب می‌کند، درآمیختگی احتمالی اشعار برخی از شاعران است. این درآمیختگی به دلایلی همچون شباهت مضمون و یا ظاهر اشعار، شباهت سبکی، سهو کاتبان در ضبط اشعار در نسخه‌ها و جنگ‌ها، پراکندگی اشعار در جنگ‌ها بدون ذکر نام شاعر و افتادن آغاز و پایان برخی از نسخه‌های خطی در گذر زمان، به دلیل نگهداری نامناسب، پیش می‌آید؛ اما با تحقیق، پژوهش و بررسی صحت انتساب اشعار می‌توان تصحیحی منقح و پیراسته از دیوان آنان ارائه کرد. این پژوهش با جلوگیری از ثبت اشتباه اشعار شاعری به نام شاعری دیگر، برای شناخت بهتر و دقیق‌تر ویژگی‌ها و سبک شعری آنان ارزشمند است.

فلکی شروانی از شاعران قرن ششم و مداح دربار منوچهر شروانشاه است که به گفته‌ی خودش «شاعر خاص» شروانشاه بوده است:

کام وی آن است که گویند تو شاعر خاص ملک کشوری
(فلکی، ۱۳۴۵: ۷۸)

در بیشتر اشعار دیوان فلکی، مدح منوچهر شروانشاه مشاهده می‌شود. علاوه بر این «برخی منتقدان وی را در طراز شاعران بزرگی چون خاقانی شروانی و نظامی قرار داده و او را در پدید آوردن مکتب تازه و شیوه‌ی نوین آذربایجانی ذی‌سهم می‌دانند» (محبوب، ۱۳۴۵: ۵۵۷) و همچنین «حتی او را در سرودن قصاید ملمع و تجدید مطلع، پیرو خاقانی شروانی به شمار می‌آورند» (ظفری، ۱۳۷۵: ۲۱). تعداد ابیات دیوان فلکی را از پنج هزار بیت تا چهارده هزار بیت نوشته‌اند؛ اما اشعار زیادی از او در دست نیست و آنچه به جا مانده به دو هزار بیت نمی‌رسد. «دیوان فلکی را تا هفت هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه در دست است به دو هزار بیت نمی‌رسد و از این مایه شعر دریافته می‌شود که او گوینده‌ای نازک‌خیال و خوش‌عبارت بود و از سخن معقد معلق که شیوه‌ی معاصران او در شروان و آذربایجان بود، دوری گزید و به سهولت کلام و روانی سخن متمایل بود» (صفا، ۱۳۷۲: ۲/۴۴۷). «دربلو

مجموعه اشعار به جا مانده از فلکی را حدود ۱۴۰۰۰ بیت می‌نویسد» (فلکی، ۱۳۹۰: ۱۰). بنابراین آنچه ذکر شد، حجم قابل توجهی از اشعار فلکی به دست ما نرسیده است که یا از بین رفته و یا به دلایلی، که پیش از این بیان شد، با شعر دیگران درآمیخته است. همین مقدار از شعر فلکی که به کوشش محمد طاهری شهاب در سال ۱۳۴۵ تصحیح و چاپ شده، خالی از ایراد نیست و برخی از اشعار شاعران دیگر نیز در آن راه یافته است. پس از جستجو و مطالعه‌ی دیوان چاپی، نسخه‌های خطی، جنگ‌ها و مجموعه‌های شعری حاوی اشعار فلکی شروانی، دریافتیم که در نسخه‌های خطی نویافته از دیوان فلکی و مجموعه‌های شعری نیز اشعاری به فلکی نسبت داده شده که از او نیست و سراینده‌ی آنها شاعر دیگری است که بر اثر سهل‌انگاری یا اشتباه کاتبان به نام فلکی ضبط شده است. همچنین اشعاری از فلکی در دیوان شاعران دیگر یافت شد.

پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون کتاب یا مقاله‌ای که به طور مستقل به درآمیختگی اشعار فلکی شروانی با شعر شاعران دیگر پردازد، نوشته نشده است؛ اما در خصوص تصحیح دیوان فلکی و شرح دشواری‌های اشعار او آثاری نوشته شده که در این پژوهش برخی از آنها استفاده شده است: محمد هادی حسن، نویسنده و پژوهشگر هندی، دیوان فلکی شروانی را در سال ۱۹۲۹ میلادی در لندن و به شیوه‌ی چاپ سنگی منتشر کرد. تصحیح او کاستی‌ها و اشکالات چاپی دارد و در خصوص درآمیختگی شعر فلکی با شعر دیگران مطلبی ذکر نکرده است. منابع و نسخه‌های مورد استفاده‌ی او نیز بر ما پوشیده است.

در مجموعه مقالات هادی حسن مقاله‌ای با عنوان «دیوان و شاعری فلکی شروانی» موجود است که نویسنده بر پایه‌ی اشعار فلکی شروانی، بیشتر به زندگی، شاعری و ممدوحان فلکی و تعیین سال وفات او پرداخته است. در آنجا چند سطر نیز اشاره به درآمیختگی چند بیت از دیوان فلکی با شعر دیگران دارد که در این پژوهش از آن بهره گرفته شده است.

محمد طاهری شهاب تصحیح دیگری از *دیوان فلکی* را در سال ۱۳۴۵ منتشر کرده است. از آنجا که همه‌ی نسخه‌های *دیوان فلکی* در اختیار مصحح نبوده و همچنین به سبب بی‌توجهی مصحح به روش انتقادی تصحیح، لغزش‌هایی در تصحیح او راه یافته که برخی از آنها در این مقاله مورد بحث واقع شده است.

مجتبی عبدالمهی در اثری با نام «آیین‌های چرخ» به شرح و توضیح لغات، اصطلاحات و دشواری‌های اشعار فلکی شروانی پرداخته است. در این اثر نیز معدودی از لغات، اصطلاحات مبهم و غلط‌های چاپی اشعار فلکی تصحیح شده است.

پژوهش دیگر در این زمینه مقاله‌ای است از احمد رضا یلمه‌ها با عنوان «نقد و تحلیل تحریفات *دیوان فلکی شروانی* براساس نسخه‌های تازه‌یافته». در این مقاله، منتقد به بررسی برخی از اختلاف نسخه‌ها در سطح واژه‌ها پرداخته، گاه برخی ابیات را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و احياناً ابیات مبهم و نامفهوم دیوان را نیز تصحیح کرده است.

پژوهش دیگر مقاله‌ای است از مجتبی عبدالمهی و همکاران با عنوان «ضرورت تصحیح *دیوان فلکی شروانی*». در این پژوهش، ضمن پرداختن به نواقص تصحیح طاهری شهاب، از جمله جابه‌جایی ابیات، به‌هم‌ریختگی مصراع‌ها و اجزای ابیات و غلط‌های چاپی متن، بر ضرورت تصحیح مجدد *دیوان فلکی* تاکید شده است.

با وجود ارزشمند بودن پژوهش‌های مذکور، هیچ‌یک از آنها به طور مستقل به درآمیختگی اشعار فلکی با شعر دیگران یا برعکس نپرداخته است؛ بلکه موارد معدودی را جهت خواندن بهتر اشعار، مورد بررسی قرار داده و تصحیح کرده‌اند. در این پژوهش ضمن معرفی نسخه‌های نویافته از *دیوان فلکی*، به بررسی درآمیختگی اشعار فلکی و شاعران دیگر در دو مبحث پرداخته و سراینده‌ی حقیقی اشعار مورد بحث نیز مشخص شده است:

۱- اشعار دیگران در *دیوان فلکی*

۲- شعر فلکی در دیوان دیگران

۱- نسخه‌های دیوان فلکی

۱-۱- نسخه‌ی کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی قم، به شماره‌ی ۱۴۳۵۵، با تاریخ کتابت ۱۰۳۰ هجری، کتابت محمد مؤمن عرب شیرازی، به خط نستعلیق خوش، شامل ۹۰ صفحه و دارای ۱۰۰۰ بیت است. بنابر یادداشتی که در صفحه‌ی نخست این نسخه آمده، آن را سید محمود مرعشی در سال ۱۳۸۱، در سفری که به هندوستان داشته، از شهر حیدرآباد هند خریداری کرده است.

۲-۱- نسخه‌ی پاریس، به شماره‌ی ۴/۶۵۶ف، بی‌تا، بی‌کا، به خط نسخ، شامل ۷۴ صفحه و دارای ۱۰۵۷ بیت است. نسخه‌ی یاد شده در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. در مقدمه‌ی آن، در نه صفحه به شرح زندگی و معرفی شعر فلکی شروانی پرداخته و در پایان نیز آورده است که: «اشعار فلکی نزدیک به هفت هزار بیت بوده، ولی نایاب است و نویسنده این اوراق به زحمت توانسته به این مقدار از اشعار وی دست یابد» (رک: مقدمه‌ی نسخه‌ی شماره‌ی ۴/۶۵۶ف).

۳-۱- نسخه‌ی کاخ گلستان، به شماره‌ی ۲۸۱، بی‌تا، بی‌کا، به خط نستعلیق، شامل ۸۶ صفحه، دارای ۱۰۳۴ بیت و در کتابخانه‌ی سلطنتی کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود. تاریخ وفات و محل دفن شاعر را در صفحه‌ی نخست آن ضبط کرده است.

۴-۱- نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس، به شماره‌ی ۱۰۶۳/۱، کتابت قرن ۱۴، بی‌کا، به خط نستعلیق، شامل ۴۴ صفحه، دارای ۵۳۶ بیت از اشعار فلکی و نسبت به نسخه‌های دیگر ناقص است. نسخه‌ی مذکور در دو صفحه شرح مختصری درباره‌ی شعر و زندگی فلکی آورده است.

۵-۱- چاپ سنگی دیوان فلکی: دیوان فلکی شروانی به کوشش هادی حسن در سال ۱۹۲۹ میلادی در لندن چاپ شده که شامل ۹۳ صفحه و دارای ۱۱۹۷ بیت است. این چاپ یکی از منابع طاهری شهاب در تصحیح دیوان فلکی بوده است.

۲- اشعار دیگران در دیوان فلکی

در دیوان چاپی فلکی شروانی و نسخه‌های خطی آن، ابیات پراکنده و یا اشعاری از شعر شاعران دیگر ضبط شده است که در اینجا به بررسی این موارد و تعیین سراینده‌ی حقیقی اشعار مذکور پرداخته می‌شود:

۲-۱- در نسخه‌های کتابخانه‌ی مرعشی، پاریس و کاخ گلستان، یک غزل سه بیتی ضبط شده که در دیوان چاپی فلکی دیده نمی‌شود. این غزل به صورت زیر آمده است:

آرزومند روی جانانم برود ز آرزوی او جانم
همه چیزی همی‌توانم کرد صبر کردن به هجر نتوانم
دل خطا شد مرا بدان مه روی دل بدادم کنون پشیمانم
(رک: نسخه‌ی شماره‌ی ۱۴۳۵۵ از کتابخانه‌ی مرعشی: ۴۳)

(رک: نسخه‌ی شماره‌ی ۱۴۳۵۵ از کتابخانه‌ی مرعشی: ۴۳)

هادی حسن در مقالات خود آورده: «این سه بیت که دیوان مونیخ از آن فلکی محسوب می‌داند، اصلاً جزو یکی از غزلیات قطران است» (هادی حسن، ۱۳۷۳: ۱۲۳). غزل قطران تبریزی دارای شش بیت و به قرار زیر است:

آرزومند روی جانانم برود زار زو همی جانم
آرزو را و درد دوری را به جز از صبر چیست درمانم؟
همه چیزی همی‌توانم کرد صبر کردن به هجر نتوانم
برغم و درد من بس است گوا رنگ رخسار و آب مژگانم
دل بدادم به دوست خویش به طبع تا دل از دوست باز بستانم
ظن خطا شد مرا در آن مه‌روی دل بدادم کنون پشیمانم
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۴۸۸)

۲-۲- در نسخه‌ی کاخ گلستان یک دوبیتی به شکل زیر ضبط شده است:

منم آن نیازمندی که به تو نیاز دارم غم چون تو نازنینی به هزار ناز دارم
غم دل از آن بگویم که تو را ملال خیزد کنم این حدیث کوتاه که غم دراز دارم
(رک: نسخه‌ی شماره‌ی ۲۸۱ از کتابخانه‌ی کاخ گلستان: ۸۰)

هادی حسن با ذکر این دوبیتی، می‌نویسد: «این دو بیت که در دیوان مونیخ فلکی موجود است، در دیوان شمس تبریز پیدا شد» (هادی حسن، ۱۳۷۳: ۱۲۲). غزل مذکور در دیوان چاپی غزلیات شمس موجود نیست؛ اما صورت کامل آن در نسخه‌ی خطی غزلیات شمس، که به شماره‌ی ۲۴۴۵ در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، یافت شد، که به شکل زیر ضبط شده است:

منم آن نیازمندی که به تو نیاز دارم	اگر از تو باز دارم به که چشم باز دارم؟
تویی آفتاب و چشمم به جمال توست روشن	غم چون تو نازنینی به هزار ناز دارم
به جفا نمودن تو ز وفات برنگردم	به وفا نمودن خود ز جفات باز دارم
گله کردم از تو، گفتمی که بساز چاره‌ی خود	منم آن که در غم الحق دل چاره‌ساز دارم
غم دل چه بگویم که تو را ملال گیرد؟	کنم این حدیث کوتاه که غم دراز دارم

(رک: نسخه‌ی شماره‌ی ۲۴۴۵ متعلق به کتابخانه‌ی ملی: ۲۵۰)

۲-۳- پس از مقابله و بررسی نسخه‌های *دیوان فلکی*، در نسخه‌ی پاریس قصیده‌ای ۳۷ بیتی از مسعود سعد سلمان، با مطلع «شخصی به هزار غم گرفتارم / در هر نفسی به جان رسد کارم»، یافت شد. در نسخه‌ی کاخ گلستان نیز همین قصیده در ۳۵ بیت ضبط شده است. صورت کامل قصیده‌ی مذکور در دیوان مسعود سعد دارای ۳۷ بیت و حبسیه‌ای است در بیان بی‌گناهی خود و شکایت از روزگار و استمداد از خواجه بونصر، یکی از وزرای عصر. او این قصیده را برای رهایی از بند شاه سروده است. بخشی از آن به قرار زیر است:

شخصی به هزار غم گرفتارم	در هر نفسی به جان رسد کارم
بی‌زلت و بی‌گناه محبوسم	بی‌علت و بی‌سبب گرفتارم
در دام جفا شکسته مرغی‌ام	بر دانه نیوفتاده منقارم...
محبوسم و طالعت منحوسم	غمخوارم و اخترست خونخوارم...
زندان خدایگان که و من که	ناگه چه قضا نمود دیدارم!
بندی است گران به دست و پایم در	شاید که بس ابله و سبکبارم
محبوس چرا شدم نمی‌دانم	دانم که نه دزدم و نه عیارم...

مردی باشم ثناگر و شاعر
جز مدحت شاه و شکر دستورش
آن است خطای من که در خاطر
کاخر نکشد فلک مرا، چون من
صدر وزرای عصر ابونصر، آن
آن خواجه که واسطه است مدح او
ای قوت جان من ز لطف تو
شه بر سر رحمت آمدست اکنون
ارجو که به سعی و اهتمام تو
این عید خجسته را به صد معنی
برخور ز دوام عمر کز عالم

بندی باشد محل و مقدارم؟
یک بیت ندید کس در اشعارم
بنمود خطاب و خشم شه خوآرم...
در ظل قبول صدر احرام
کافزوده ز بندگیش مقدارم
در مرسله‌های لفظ دربارم...
بی شفقت خویش مرده انگارم
مگذار چنین به رنج و تیمارم
زین غم بدهد خلاص دادارم
بر خصم تو ناخجسته پندارم
در عهد تو کم نگردد آثارم

(مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۳۵۸-۳۵۶)

۲-۴- آخرین شعری که در دیوان چاپی فلکی آمده، قصیده‌ی ناتمام چهاربیتی است که در هیچ‌یک از نسخه‌های خطی دیوان فلکی ضبط نشده و با توجه به پانویس شعر، مصحح آن را از *مونس‌الاحرار بدرالدین جاجرمی* نقل کرده است:

مشک است توده توده نهاده بر ارغوان
زلفین حلقه حلقه آن ماه دلستان
زان توده توده، توده‌ی مشک آیدم حقیر
زان حلقه حلقه، حلقه‌ی تنگ آدمم جهان
چون قطره قطره آب لطیفست عارضش
وز نور شعله شعله نهاده بر ارغوان
زان قطره قطره، قطره‌ی آبست در بحار
زین شعله شعله، شعله‌ی نارست چون دخان

(فلکی، ۱۳۴۵: ۱۱۳)

یلمه‌ها این شعر را از ادیب صابر ترمذی می‌داند و آورده که: «این شعر از اشعار معروف ادیب صابر ترمذی، شاعر قرن ششم هجری، است که به نام فلکی شروانی در دیوان این شاعر ثبت گردیده است. اصل این شعر در دوازده بیت در متن دیوان چاپی ادیب صابر ترمذی مضبوط است» (یلمه‌ها، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

«با توجه به این که یلمه‌ها دیوان/ادیب صابر را تصحیح کرده و این شعر را در نسخه‌های دیوان او یافته، سخن وی درست به نظر می‌رسد. به علاوه دهخدا در ضمن اقتراح‌ی با عنوان «طرفه‌ی بغداد» که در مجله مهر، سال اول، شماره ۲، صفحات ۱۳۸-۱۳۶ منتشر کرده، ابیاتی از این قصیده را نقل کرده و آنها را از ادیب صابر دانسته است» (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۶). در تذکره‌ی کاظم نیز ده بیت از این قصیده در میان اشعار ادیب صابر ضبط شده است (رک: کاظم، ۱۲۸۷: ۵۷۳ و ۵۷۲). صورت کامل این شعر در دیوان/ادیب صابر به قرار زیر است:

مشک است توده توده نهاده بر ارغوان	زلفین حلقه حلقه آن ماه دلستان
زان توده توده، توده‌ی مشک آیدم حقیر	زان حلقه حلقه، حلقه‌ی تنگ آیدم جهان
چون قطره قطره آب لطیفست عارضش	وز نور شعله شعله نهاده بر ارغوان
زان قطره قطره، قطره‌ی آبست در بحار	زین شعله شعله، شعله‌ی نارست چون دخان
هر روز دجله دجله بیارم من از دو چشم	کو طرفه طرفه گل شکفاند به بوستان
زان دجله دجله، دجله‌ی بغداد دردمند	زین طرفه طرفه، طرفه‌ی بغداد شد نوان
تا پشته پشته بار فراقش همی کشم	چو ذره ذره کرد مرا در هوا هوان
زان پشته پشته، پشته چو کاه آیدم سبک	زین ذره ذره، ذره چو کوه آیدم گران
هجرانش پاره پاره ز من برد خواب و خور	من خیره خیره داده به دست عنا عنان
زان پاره پاره، پاره شود مرا جگر	زین خیره خیره، خیره شود چشم خونفشان
چون نکته نکته در غزل آرم ز وصف او	بختم ز تحفه تحفه‌ی دولت دهد نشان
زان نکته نکته، نکته‌ی رنج و جراحت است	زین تحفه تحفه، تحفه‌ی قبول خدایگان

(ادیب صابر، ۱۳۸۵: ۴۷۵)

احتمال دارد که از دلایل اشتباه طاهری شهاب در ثبت این شعر به نام فلکی، یکی از قصاید دیوان فلکی باشد که بر همین وزن سروده شده است. این قصیده از صنعت تکریر بهره گرفته و از نظر مضمون نیز بسیار به این قصیده شباهت دارد. مطلع این قصیده چنین است: «نار است شعله شعله رخ دلبرم ز تاب / مار است عقده عقده دو زلفش بر آفتاب» (فلکی، ۱۳۴۵: ۲۱).

۲-۵- یک تک‌بیتی در *دیوان فلکی* ثبت شده که بنا بر نظر مصحح *دیوان فلکی*، گویا از قصیده‌ای از وی به جا مانده است. شاعر در این بیت ضمن مفاخره، شعر و طرز شاعری خود را برتر از مسعود سعد سلمان می‌داند و می‌گوید:

گر این طرز سخن در شاعری مسعود را بودی

به جان صد آفرین کردی روان سعد سلمانش

(همان: ۱۱۲)

بر اساس همین بیت هم دولت‌شاه سمرقندی در ذکر احوال مسعود سعد سلمان می‌نویسد: «فضلا و اکابر اشعار او را معتقدند؛ چنان که فلکی شروانی در منقبت خود می‌گوید و ذکر سخن مسعود می‌کند...» (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۳۹). سپس برای تایید سخن خویش، بیت فوق را به عنوان شاهد ذکر می‌کند.

باید بر مبنای همین بیت بوده باشد که در کتاب *سخن و سخنوران* درباره‌ی طرز و رویه‌ی شاعری فلکی و توجه او به مسعود سعد، آمده است: «اشعار او به رویه‌ی مسعود سعد نزدیک است و گویا به مسعود سعد معتقد بوده و می‌خواسته روش او را از دست ندهد؛ ولی نتوانسته سبک مسعود را به تمام و کمال تقلید کند» (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۶۰۳).

برخلاف منابع فوق، که بیت مذکور را از فلکی دانسته‌اند، هادی حسن درباره‌ی این بیت می‌گوید: «بیت ذیل که دولت‌شاه به فلکی نسبت می‌دهد، در *دیوان ادیب صابر* پیدا کردم... در قصیده‌ای که مطلعش این است: دلم عاشق شدن فرمود و من برحسب فرمانش / درافتادم به آن دردی که پیدا نیست درمانش» (هادی حسن، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

بیت مورد بحث، با اندکی اختلاف و به صورت «بدین حسن و طراوت شعر اگر مسعود را بودی / هزاران آفرین کردی روان سعد سلمانش» در میان قصیده‌ای از *دیوان ادیب صابر* که در مدح مجدالدین ابوالقاسم علی سروده شده، ضبط شده است. قصیده‌ی مذکور در *دیوان ادیب صابر* دارای ۴۱ بیت است. در اینجا ابیاتی از ابتدا و انتهای آن، که دربردارنده‌ی شواهد لازم برای تایید این که سراینده ادیب صابر است، ذکر می‌شود:

دلم عاشق شدن فرمود و من بر حسب فرمانش
 پریشان زلف دلبندی دلم بر بود و هر ساعت
 قرار و خواب و شیرینی ز جان و چشم و عیش من
 لبش یاقوت خندان است و گریانم نبیند کس
 جمال حورعین دارد مگر کز روضه‌ی جنت
 گر از مشرق بر آید چشمه‌ی خورشید هر روزی
 همی جستم به عمر اندر درازی در شب وصلش
 شکست زلف آن دلبر دلم بر بود هر لحظه
 به پیرایش اگر در زلف او ره یافت نقصانی
 خم چوگان او با گوی هر ساعت به میدان در
 ز رشک آن که تا با زلف مشکینش نیامیزد
 دلم را در خم زلفش به زندان کرد عشق او
 رئیس شرق مجدالدین ابوالقاسم علی که ایزد
 خداوندی که در انواع دعوی خداوندی
 سلیمان قدر و آصف دل محمدخلق و حیدر کف
 به از بنده نگوید خلق مدح مجلس عالی
 ز شعر بنده پر دُر شد دهان لفظ هر راوی
 بدین حسن و طراوت شعر اگر مسعود را بودی
 همیشه تا همی خوانند در اخبار و در قرآن
 جهان دل باد و او دانش خراسان مصر و او یوسف
 چنان کوه است در گیتی پناه شاعر و زائر
 (ادیب صابر، ۱۳۸۵: ۶-۶۳)

درافتادم بدان دردی که پیدا نیست درمانش
 پریشان کرد حالم را سر زلف پریشانش
 بیرندند از بن دندان لب شیرین و دندانش
 اگر وقتی ظفر یابم بدان یاقوت خندانش
 به دنیا از پی فتنه فرستاده است رضوانش
 رخس خورشید رخشان گشت و مشرق شد گریانش
 نبود آن را که می جستم مگر در روز هجرانش
 که در زلفش همی دیدم نشان عهد و پیمان
 جمال او و عشق من زیادت شد ز نقصانش
 همان کردی که روز باد زلفش با زرخدانش
 به آب دیده بنشاندم سراسر گرد میدانش
 چو مداح خداوندست نگذارم به زندانش
 مزین کرد عالم را به عدل و حلم و احسانش
 ز اعداد نجوم آسمان بیش است برهانش
 که مثل خویش خواندندی اگر دیدندی ایشانش...
 بدین معنی مسلم کرده‌اند اهل خراسانش
 که مدح مجلس عالی پر از دُر کرد دیوانش
 هزاران آفرین کردی روان سعد سلمانش
 صفات یوسف و حسنش حدیث نوح و طوفانش
 خداوند جهان داده بقای نوح و لقمانش
 همیشه باد در عالم پناه الطاف یزدانش

۲-۶- در جنگ خطی شماره‌ی ۱۱۵۲۷-۵ متعلق به کتابخانه‌ی ملی، قصیده‌ای با مطلع:

«باران قطره قطره همی بارم ابروار / هر روز خیره خیره ازین چشم سیل بار»، دارای ۳۳ بیت،
 به نام فلکی شروانی ضبط شده است (رک: جنگ خطی شماره‌ی ۱۱۵۲۷-۵ کتابخانه‌ی ملی:

۹۵-۹۳). قصیده‌ی مذکور در دیوان عسجدی، شاعر قرن پنجم، یافت شد و دارای ۳۷ بیت است و البته باز هم ناقص به نظر می‌رسد و حداقل بیت پایانی آن افتاده است:

باران قطره قطره همی بارم ابروار
 زان قطره قطره، قطره‌ی باران شده خجل
 یاری که ذره ذره نماید مرا نظر
 زان ذره ذره، ذره چو کوه آیدم به دل
 دندانش دانه دانه در است جانفزای
 زان دانه دانه، دانه‌ی در یتیم دور
 حوری که تیره تیره بپوشد رخان روز
 زان تیره تیره، تیره شود نور آفتاب
 طره‌اش چو حلقه حلقه قطار از پس قطار
 زان حلقه حلقه، حلقه‌ی زنجیر شرمگین
 زلفینش نافه نافه گشاید نثار مشک
 زان نافه نافه، نافه‌ی خوش‌بوی با دریغ
 سیم است بیضه بیضه بر آن سیم سنگدل
 زان بیضه بیضه، بیضه‌ی کافور جفت خاک
 تیمار عقده عقده‌ای اندر دلم زده است
 زان عقده عقده، عقده‌ی ابروی تو مدام
 دی خواجه تازه تازه بر الفاظ شعر من
 زان تازه تازه، تازه به هر شهر از او شکر
 از چرخ برخه برخه سعادت به جانش باد
 زان برخه برخه، برخه ابرجان او ز سعد
 همتش پایه پایه عزیز و سزد بلند
 زان پایه پایه، پایه‌گه خدمت ملوک

هر روز خیره خیره ازین چشم سیل‌بار
 زان خیره خیره، خیره دل من ز هجر یار
 هجرانش باره باره به من بر نهاد بار
 زان باره باره، باره به چشم آیدم غبار
 لبه‌اش باده باده عقیق است آبدار
 زان پاره پاره، پاره‌ی یاقوت سرخ خوار
 چونان که طره طره شود طره بر عذار
 زان طره طره، طره شده طره‌ی طرار
 حلقه‌اش چو چشمه چشمه نور هدی قطار
 زان چشمه چشمه، چشمه‌ی خورشید دُردخوار
 عارضش لاله لاله نماید فروغ نار
 زین لاله لاله، لاله‌ی خودروی بهار
 ریحان دسته دسته بر آن طرف گل نگار
 زان دسته دسته، دسته‌ی سنبل به بوی خار
 وز خواجه تحفه تحفه نشاط دل و قرار
 زان تحفه تحفه، تحفه چنین مدح پایدار
 زان گونه گونه نثر سمن کرد بر نثار
 زان گونه گونه، گونه‌ی من چون گل بهار
 از عرش جمله جمله ز احسان کردگار
 زان جمله جمله، جمله مر او راز بخت یار
 گسترده سایه سایه از هر سوی هزار
 زان سایه سایه، سایه گه سجده‌ی کبار

دینار کیسه کیسه دهد اهل فضل را
 زان کیسه کیسه، کیسه‌ی صراف عیب گیر
 از عطر حقه حقه دهد هر کسی عطا
 زان یار حلقه حلقه دهد عطر خلق را
 دیدنش نوبه نوبه، چو نو ماه گاه گاه
 زان نوبه نوبه، نوبه خواهم شدن تباه
 دل گشته رخنه رخنه، به زاری تیغ هجر
 زان رخنه رخنه، رخنه شده عقل و دین مرا
 آن یار حقه حقه دهد عطر خلق را
 زان حقه حقه، حقه‌ی سیماب زار اوست
 از چرخ بهره بهره طرب باد خواجه را
 زان بهره بهره، بهره رسید به ما نعم
 تا هست سوره سوره کتاب خدای را
 زان سوره سوره سوره‌ی مهترش باد خور
 تا هست خامه خامه به هر بادیه ز ریگ
 دیبای سله سله برد طاقت ستار
 زان سله سله، سله پر از زر مستعار
 از عود ریزه ریزه کم و بیش بر عیار
 چونان که تحفه تحفه دهد عود را کبار
 رفتنش گوشه گوشه کر آن کرده زی دیار
 زان گوشه گوشه، گوشه‌ی جان و دلم فکار
 زان مشک توده توده بر آن گرد لاله‌زار
 زان توده توده، توده به دل بر غم نگار
 چونان که لخته لخته دهد مشک بار بار
 زان لخته لخته، لخته‌ی ارزیر زیر و زار
 وز خلق شهره شهره بناهاش یادگار
 زان شهره شهره، شهره‌ی ایام شهریار
 وز علم نکته نکته به هر سوره آشکار
 زان نکته نکته، نکته‌ی بهترش غمگسار
 وز باد عیب عیب به هر نقش بی‌شمار
 (عسجدی، ۱۳۳۴: ۲۸-۲۵)

در تذکره‌ی کاظم نیز در ذکر اشعار عسجدی، ده بیت از این قصیده ضبط شده است (رک: کاظم، ۱۲۸۷: ۴۸۲). همچنین دو بیت اول این قصیده در *حدایق السحر*، به عنوان شاهد مثال برای صنعت تکریر ذکر شده و در پانویس نیز آورده است که: «ابیات از عسجدی است» (رک: وطواط، ۱۳۰۸: ۸۶). در بخش حواشی *حدایق السحر* نیز درباره‌ی دو بیت مذکور آورده است که: «این دو بیت از عسجدی است و جزو قصیده‌ی بزرگیست که بعضی ابیات آن در *المعجم و لباب الالباب* و فرهنگ جهانگیری مضبوط است و ما تمام آن را از روی یک جنگ خطی استنساخ کرده، در اینجا به طبع می‌رسانیم» (همان: ۱۴۷). سپس قصیده‌ی مذکور را در ۳۴ بیت آورده است.

از دلایل این اشتباه مصحح و انتساب این قصیده به فلکی شروانی، می‌تواند یکی بی‌دقتی مصحح در امر تصحیح و عدم مطابقت اشعار فلکی با دیوان شاعران هم‌دوره یا هم‌سبک او برای جلوگیری از این درآمیختگی باشد و دیگر وجود قصیده‌ای مشابه در دیوان فلکی است که با مطلع: «نار است شعله شعله، رخ دلبرم ز تاب / مار است عقده عقده دو زلفش بر آفتاب» بر یک وزن و نیز با صنعت تکریر در ۲۴ بیت سروده شده است و از نظر مضمون نیز شباهت بسیاری به قصیده‌ی مذکور دارد.

۳- شعر فلکی در دیوان دیگران

افزون بر مواردی که از ضبط اشعار شاعران دیگر در دیوان فلکی مورد بررسی قرار گرفت، شعر فلکی نیز در دیوان دیگران یافت شد که در اینجا به بررسی آن پرداخته می‌شود:

۳-۱- یکی از قصاید فلکی که در مدح منوچهر شروانشاه و با مطلع: «دوش چو کرد آسمان افسر ز زر سر یله / ساخت ز ماه و اختران یاره و عقد و مرسله» سروده شده، دارای دو مطلع و ۵۰ بیت است، در دیوان مجد همگر یافت شد. نکته‌ی مهم این که تخلص شاعر (فلکی) نیز در قصیده و در بیت «مشعله برفروختی رخت فلک بسوختی / بر فلکی فروختی شهر به سوز و مشعله» آمده است و در بیت دیگری نیز ممدوح خود، شروانشاه را «خسرو آرشی نسب» و «آرش دیگر» نامیده و این‌گونه توصیفات را در قصاید دیگر نیز به کار برده است. دیگر این که فلکی در چند جای از قصاید مدحی خود با عنوان «غزل» یا «غزل خوش» و «خوش غزل» یاد کرده که در پایان مطلع اول این قصیده نیز برای بخش دوم قصیده تعبیر «غزل لطیف نو» را به کار برده است.

این قصیده در نسخه‌های خطی دیوان فلکی و نیز در دیوان چاپی او موجود است. همچنین در خلاصه‌الاشعار تقی‌الدین کاشی نیز جزو اشعار فلکی ذکر شده است (رک: کاشی، ۱۰۰۷: ۳۹۲). دو بیت آغازین مطلع اول آن، در ردیف‌الاشعار (جنگ خطی شماره‌ی ۱۴۸۴، متعلق به کتابخانه‌ی مجلس) به نام فلکی ضبط شده است (رک: ردیف‌الاشعار،

۱۲۳۷:۱۵۸). بنابراین سراینده‌ی قصیده‌ی مورد بحث، فلکی شروانی است و به اشتباه در دیوان مجد همگرا راه یافته است. در اینجا بخش‌ها و ابیاتی از هر دو مطلع قصیده، که در بردارنده‌ی شواهدی برای تایید این که سراینده‌ی آن فلکی شروانی است، آمده است:

ساخت ز ماه و اختران یاره و عقد و مرسله
عقده‌ی رأس داس شد از پی کشت سنبله
آمده با قبول و جاه از قبل مقابله
تا ز کمان به بدگمان همچو یلان کند یله
آخته شهره دهری داده صقال و مصقله
بر در بارگه سپه ساخته شور و مشغله...
بوسه‌زنان به خاک ره چون رهیان یکدله
ناصر سنت عرب، قاهر بدعت حله
از رخ دوستان کلف وز سر دشمنان کله
مادر جان زندگان از قبل تو حامله
مالک ملت و امم صاحب صولت و صله...
معجز روی مصطفی دیده گه مباحله
رایت رای و خوان خان زود رود به ولوله
عالم علم را به حق علم تو گشته عاقله
سنت عید فرض دان فرض صیام نافله
نیست صفیر بلبلان هست صفیر بلبله
گشت میان هر سه‌شان بندگی تو واصله
پیر تویی بکن بیان مشکل این مشاکله
عدت عید کن قرین عادت روزه کن یله
لطف کمال او گرو برده ز روح کامله

دوش چو کرد آسمان افسر زر ز سر یله
شکل فلک خراس شد مهر چو دانه آس شد
طرف جبین نموده ماه از طرف بساط شاه
از پی تیر آسمان ساخته ماه نو کمان
زهره چو شیر شرزهی برده ز دهر بهره‌ی
شاه فلک ز بارگه کرده نشاط خوابگه
چرخ و نجوم و مهر و مه بر در بارگاه شه
خسرو آرشی نسب، آرش دیگر از حسب
جام و حسامش از شرف برده به‌گاه بار و لف
ای ملک‌ان چو بندگان بر تو ثناکنندگان
وارث جود و جاه جم، شیر اجم شه عجم
هر که بدید در دغا گاه مقاتله تو را
گر تو کنی به امتحان چتر به هند و چین روان
ای بر تو به هر نسق خلق جهان همه حلق
رایت عید شد عیان موکب روزه شد نهان
گرچه به صحن گلستان از پی نزهت روان
عید و خزان و مهرگان هر سه شدند هم‌قران
هر سه به شکل صوفیان خرقه نهاده در میان
بزم فکن طرب گزین فتنه نشان و خوش نشین
وز پی مدح خود شنو این غزل لطیف نو

مطلع ثانی

سرو قدی شکرلبی گلرخ غالیه‌کله
 نرگس مستش آسمان سفته به تیر غمزگان
 آن ز میان انس و جان برده هزار کاروان
 ای بت خلخ و چکل از توبت تبت خجل
 مشعله برفروختی رخت فلک بسوختی
 کرده به عالم روان حسن تو کاروان دوان
 مالک ملک باستان بارگهش در آسمان
 تا به مشام ذوق جان نهد و ناورد جهان
 طبع تو باد شادخور مل به کفت ز جام زر
 چارملک ز شش کران هفت‌شه از نه آسمان

جان مرا به صد زبان زان رخ و غالیه گله
 سنبل هندویش به جان رفته به سایه‌ی گله
 وین ز بساط انس و جان رفته هزار قافله...
 نزد تو وزن جان و دل یک جو و نیم خردله
 بر فلکی فروختی شهر به سوز و مشعله
 وز در شاه خسروان یافته زاد و راحله
 بام و را ز نردبان چرخ فروترین پله...
 نکهت گل ز انگدان لذت مل ز آمله
 دلبر گلرخت به بر، بی غم و رنج و غایله
 حکم تو را نهاده جان بر دو کف و ده انمله
 (فلکی، ۱۳۴۵: -۶۴ ۵۹)

نتیجه

فلکی شروانی از قصیده‌سرایان قرن ششم هجری و شاعران دربار شروانشاهان است. با توجه به گفته‌های تذکره‌نویسان، حجم قابل ملاحظه‌ای از اشعار دیوان وی به دست ما نرسیده است. تحقیق و پژوهش در *دیوان اشعار فلکی* گویای این است که برخی از اشعار شاعران دیگر نیز به دلایل مختلفی همچون بی‌دقتی یا سهو کاتبان، گذر زمان، شباهت مضمون و شباهت‌های سبکی به *دیوان فلکی* راه یافته که از این نظر نیازمند بازنگری و تصحیح است. در این پژوهش با بررسی نسخه‌های خطی و دیوان چاپی اشعار فلکی شروانی و شاعران هم‌دوره یا هم‌سبک او، به درآمیختگی اشعار شاعرانی همچون عسجدی، مسعود سعد سلمان، قطران تبریزی، ادیب صابر ترمذی، مجد همگر و جلال‌الدین محمد مولوی با اشعار فلکی پی بردیم و با ذکر دلایل و شواهد، سراینده‌ی حقیقی اشعار مذکور تعیین شد. با وجود چنین مواردی این احتمال نیز وجود دارد که برخی از اشعار فلکی شروانی به دلایلی که گفته شد، به دیوان شاعران دیگر راه یافته باشد؛ از این رو غیر از ابیاتی

که نسخه‌های خطی نویافته افزون بر صورت چاپی آن دارد، ممکن است که جستجویی جامع در جنگ‌ها و مجموعه‌های شعری ما را به اشعار دیگری از فلکی شروانی برساند، که بسیار مغتنم است. همچنین یافتن اشعار فلکی در دیوان دیگران و برعکس چراغ راه پژوهشگران و مصححان اشعار ایشان خواهد بود.

منابع

- ادیب صابر، شهاب‌الدین صابر (۱۳۸۵). دیوان ادیب صابر، تصحیح احمدرضا یلمه‌ها، چاپ اول، تهران: نیک‌خرد.
- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد (قرن ۱۴). غزلیات شمس (نسخه‌ی خطی، شماره‌ی ۲۴۴۵)، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.
- بی‌کا، (۱۳۳۷). *ردایف‌الاشعار* یا جنگ شعر فارسی (جنگ خطی به شماره‌ی ۱۴۸۴)، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.
- بی‌کا، (قرن ۱۳). جنگ خطی به شماره بازیابی ۵-۱۱۵۲۷، تهران: کتابخانه‌ی ملی ایران.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۶۶). تذکره‌الشعرا، چاپ دوم، تهران: پدیده‌ی خاور.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات در ایران، چاپ نهم، تهران: فردوس.
- ظفری، ولی‌الله (۱۳۷۵). حبسیه در ادب فارسی، تهران: امیرکبیر.
- عبداله‌ی، مجتبی (۱۳۹۶). آیین‌های چرخ (فرهنگ لغات، اصطلاحات و ترکیبات دیوان فلکی شروانی)، چاپ اول، تهران: تیرگان.
- عبداله‌ی، مجتبی؛ محمد پارسانسب؛ محمود عابدی (۱۳۹۹)، «ضرورت تصحیح دیوان فلکی شروانی»، مجله‌ی بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال ۱۲، شماره‌ی ۳، پیاپی ۴۵، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- عسجدی، ابو‌نظر عبدالعزیز بن منصور (۱۳۳۴). دیوان عسجدی، با تصحیح طاهری شهاب و مقدمه‌ی سعید نفیسی، تهران: طهوری.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۵۰). سخن و سخنوران. چاپ دوم، تهران: خوارزمی.

- فلکی شروانی، نجم‌الدین محمد (۱۳۴۵). دیوان اشعار فلکی شروانی. تصحیح محمد طاهری شهاب، چاپ اول، تهران: کتابخانه‌ی ابن‌سینا.
- فلکی شروانی، نجم‌الدین محمد (۱۳۹۰). دیوان اشعار فلکی، با مقدمه‌ی آزاده رستم‌ووا، ترجمه‌ی مقدمه از فیروز رفاهی علمداری، چاپ اول، تهران: فیروزان.
- قطران تبریزی، ابومنصور (۱۳۶۲). دیوان قطران تبریزی، با مقدمه‌ی محمد نخجوانی، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- کاشی، تقی‌الدین محمد بن علی (۱۰۰۷). خلاصه‌الاشعار (نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۲۷۲ مجلس)، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.
- کاظم (۱۲۸۷). تذکره‌ی کاظم (نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۹۰۱ کتابخانه‌ی مجلس)، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۵). سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: فردوس.
- مسعود سعد سلمان (۱۳۶۲). دیوان مسعود سعد سلمان، تصحیح رشید یاسمی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- وطواط، رشیدالدین محمد (۱۳۰۸). حدایق السحر فی دقایق الشعر، تصحیح عباس اقبال، تهران: چاپخانه‌ی مجلس.
- هادی حسن (۱۳۷۳). مجموعه مقالات هادی حسن، با مقدمه‌ی خلیق احمد نظامی، عزیز عثمانی و غلام سرور، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- همگر، مجد (۱۳۷۵). دیوان اشعار مجد همگر، تصحیح احمد کرمی، چاپ اول، تهران: ما.
- یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۸۹). «نقد و تحلیل تحریفات دیوان فلکی شروانی براساس نسخه‌های تازه‌یافته»، مجله‌ی فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال ۲، شماره‌ی ۲، صص ۹۷-۱۰۸.